

## آشنایی با لغات و اصطلاحات وقف (۱)

سید جلیل محمدی<sup>۱</sup>

توضیح: نظر به این که در تاریخ کشور ما تاکنون در زمینه «فرهنگ لغات و اصطلاحات وقف» اقدامی نشده بود و جای این مجموعه در کتابخانه‌ها، مراکز علمی و فرهنگی، دانشگاهی، حوزوی و تشکیلات وسیع اوقاف و امور خیریه خالی بود، برای نخستین بار خداوند بزرگ این توفیق و توانایی را عنایت فرمود که با همه مسایل و مشکلات، این فرهنگ واژگان خاص، تهیه و تدوین شود.

امید که این گام کوچک، مورد توجه و استفاده سردفتران، دفتریاران، متصدیان امور ثبتی، مراکز علمی، دانش‌جویان و دانش‌پژوهان و تمام علاقه‌مندان قرار گیرد. روشن است که این مجموعه، کمبود و نقایصی دارد. انتظار می‌رود که خوانندگان محترم علاقه‌مند، با ارائه پیشنهادهای سازنده و اعلام واژگان محلی و خاص یا از قلم افتاده در پُربار ساختن این اثر، نگارنده را یاری فرمایند.

**اوقاف** - جمع وقف. املاک و اموال و چیزهایی که برای کمک به بینوایان یا بر مزارها و مساجد یا امور دیگر وقف کرده باشند. جمع وقف. || در زمان ناصرالدین‌شاه قاجار با وزارت «وظایف» یک وزارت‌خانه را تشکیل می‌داد. || سازمان اوقاف و امور خیریه؛ این سازمان علاوه بر انجام امور حج و زیارت اماکن مقدسه بر موقوفات سراسر کشور هم نظارت می‌کند و اداره امور وقف قانوناً به عهده آن می‌باشد. ← قانون اوقاف

**اوقاف خاصه** - موقوفاتی است که مختص گروه خاص باشد. مانند: وقف بر اولاد یا بر افراد و طبقه خاص مردم.

۱. دادستان بازنشسته سازمان ثبت اسناد و املاک کشور.

**اوقاف عامه** - موقوفاتی است که اختصاص به طبقه معینی ندارند. مانند: وقف بر دانشجویان و دانش‌پژوهان مدارس و دانشگاه‌ها، نیازمندان، مساجد و بیمارستان‌ها؛ مقابل اوقاف خاص.

**اهلیت** - شایستگی. لیاقت.

(حقوق) توانایی قانونی شخص برای اعمال حقوق و تصرف در اموال خود؛

منظور از اهلیت بالغ و عاقل و رشید بودن است. (ماده ۲۱۱ ق.م.) ؛

واقف باید دارای اهلیتی باشد که در معاملات معتبر است. (ماده ۵۷ ق.م.)

**ایقاف** - وقف کردن بر مساکین چیزی را.

**اثلاث باقیه** - شامل اموال غیرمنقولی است که موصی از محل ثلث دارایی خود برای

مصارف در امور خیریه معین می‌کند.

- محبوسات و اثلاث باقیه و... طبق اسناد مربوط مورد عمل ادارات... اوقاف خواهد بود.

(ماده ۴۷ آیین‌نامه قانون اوقاف، ۱۳۶۵)

**اجاره موقوفه** - هرگاه متولی با ملاحظه صرفه وقف، مال موقوفه را اجاره دهد، به فوت

او باطل نمی‌گردد. (ماده ۴۹۹ ق.م.)

**احباس** - وقف کردن چیزی: الوقف هو احباس العین و تسبیل المنفعه. || احباس فرس:

وقف کردن اسب در راه خدا.

**احباس مبروره** - وقف‌های مقبول در نزد خدا. || حبس‌هایی که برای مصالح عامه

است چون وقف بر بیمارستان و دانشگاه‌ها، راه‌ها و فرودگاه‌ها.

**احفاد** - فرزندان. نوادگان. نیاوران. جمع حَفَد.

- وقف بر اولاد و احفاد. ← وقف خاص.

**احیاء** - زنده کردن. رواج و رونق و اعتبار بخشیدن.

- متولیان و ادارات اوقاف می‌توانند برای احیاء حقوق وقف و دفاع از دعاوی مطروحه و

مشاوره در امر حقوقی و ثبتی موقوفات... وکیل دعاوی واجد شرایط انتخاب نمایند. (ماده ۴۱ آیین‌نامه اوقاف، ۱۳۶۵)

**اداره میاهی** - بلدیه (شهرداری) اداره میاهی داشت که قنات‌های وقفی شهر را که در دست متولی‌ها بود اداره می‌کرد.<sup>۱</sup>

**ادرار** - جمع دار. سراها: بناهای مساجد و انشای مدارس و رباطات و قناطر و ادرار و انظار و اوقاف بر علما و سادات و زهاد و ابرار. (تاریخ سیستان)

**اراضی** - جمع ارض است. زمین‌ها؛

«ان الارض لله: زمین ملک خدا است. (آیه ۱۲۸، سوره اعراف)

**اراضی بند «ز»** - اراضی دولت و شهرداری‌ها و اوقاف و بانک‌ها. ← اراضی دولت و شهرداری‌ها.

**اراضی دولت، شهرداری‌ها، اوقاف و بانک‌ها** - اراضی معروف به بند «ز» زمین‌هایی است که در داخل محدوده شهرهای تهران و سراسر کشور از مرکز شهر تا شعاع صدکیلومتر از هر سمت (تهران و مشهد) قم (۵۰ کیلومتر) و شهر اصفهان (۱۵ کیلومتر) شامل مسیل‌ها، تپه‌ها، اراضی موات، اراضی بایر بلامالک و غیره می‌باشد. (قانون مصوب راجع به این‌گونه اراضی، سال ۱۳۳۵).

**اراضی موقوفه** - زمین‌های وقفی. زمین‌هایی که منافع و درآمد آن در امور خیریه و عام‌المنفعه یا مصارف خاص از طرف اشخاص حبس و وقف شده است.

**ارکان وقف** - ارکان وقف چهار است:

۱ - صیغه. ۲ - واقف. ۳ - عین موقوفه (موردوقف). ۴ - موقوف‌علیه یا موقوف‌علیهم.

الف - وقف واقع می‌شود به ایجاب از طرف واقف به هر لفظی که صراحتاً دلالت بر معنی آن کند. (ماده ۵۶ ق.م.)

ب - واقف باید مالک مالی باشد که وقف می‌کند. از طرفی دارای اهلیتی باشد که در

۱. رک: مستوفی، عبدا...، شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه)، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۶۷.

معاملات معتبر است. ← اهلیت (ماده ۵۷ ق.م.)

ج - موقوفه یا موردوقف باید عین باشد (دین نباشد)، با باقی ماندن عین قابل انتفاع باشد و قابلیت قبض داشته باشد. به علاوه، قابل تملک باشد. (ماده ۵۸ ق.م.)

د - موقوف‌علیه یا موقوف‌علیهم، وقف در صورتی نافذ است که اولاً موجود باشد. ثانیاً اهلیت تملک داشته باشد. ثالثاً معین نباشد. رابعاً مبهم نباشد. خامساً وقف بر او جایز باشد.

**استفاده از وجود کارمندان بازنشسته - سازمان (اوقاف) می‌تواند به منظور تأمین پرسنل ضروری در امور حج و زیارت از خدمت کارکنان بازنشسته دولت که صلاحیت آنان مورد تأیید بوده و دارای تجربه کافی باشند، استفاده نماید. (ماده ۵۷ آیین‌نامه اوقاف)**

**اعتاب مقدسه - مکان‌های مقدسی که زیارتگاه مردم است. اماکنی که برای عبادت و زیارت ایجاد شده است.**

- سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، موظف است همه ساله برنامه‌های لازم را در زمینه برگزاری مراسم عبادی، سیاسی حج و عمره، زیارت اعتاب مقدسه و اماکن متبرکه خارج از کشور... به اجرا درآورد. (ماده ۵۲ قانون... سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، ۱۳۶۳)

**اعیان احداث شده در اراضی موقوفه - بنای ساخته شده در زمین‌های وقفی. ایجاد اعیان در زمین‌های موقوفه.**

- در صورتی که اعیان کلاً یا جزئاً در اراضی موقوفه احداث شده باشد، هیئت حل اختلاف<sup>۱</sup> با موافقت متولی منصوص و اطلاع اداره اوقاف و رعایت مفاد وقف‌نامه و در صورتی که متولی نداشته باشد تنها با موافقت اداره اوقاف و رعایت مفاد وقف‌نامه و مصلحت موقوف‌علیهم... نسبت به تعیین اجرت زمین اقدام و در رأی صادره تکلیف اداره ثبت را نسبت به مورد برای صدور سند مالکیت کل جزو اعیان با قید اجرت زمین مقرر و معین خواهد کرد. (تبصره ۲ ماده ۱۴۸ اصلاحی ق.ت. ۱۳۴۸)

۱. منظور، هیئت حل اختلاف ثبت اسناد و املاک است که به منظور صدور اسناد مالکیت این‌گونه اعیانی‌ها و امثال آن در ادارات ثبت تشکیل می‌شود.

**اماکن متبرکه** - سرزمین‌های مقدس. || جاها و مکان‌های مقدس. مثل قبور ائمه اطهار (ع).

- برای ثبت مساجد و اماکن متبرکه و مدارس قدیمه و تکایا و آب‌انبارهای عمومی تقاضای ثبت از طرف متولی یا اداره اوقاف بدون اخذ حق‌الثبت پذیرفته خواهد شد. (ماده ۳۰ ق.ث.).

**املاک وقفی** - رقباتی است که منافع آن در اموری که واقف معین کرده باید مصرف گردد. املاک موقوفه. ← املاک.

